



دوره هشتم - سال اول - شماره ۱۴
پنجشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران

و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

“هفته جنگ” رابه هفته مبارزه در راه صلح تبدیل کنیم

هم میهنان عزیز

روز ۳۱ شهریور جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد پنجمین سال خود می شود . این جنگی است که ادامه آن به سود برانگیزنده اصلی آن ، یعنی امپریالیسم آمریکا است .
جنگ که با هدف عقیم گذاردن تداوم انقلاب مردم می بهمن ۵۷ از سوی امپریالیسم آمریکا به مردم میهن ما تحمیل شد ، در ادامه خود به اهرم و دستاویز پیشبرد توطئه ها و نقشه های کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیستی در منطقه تبدیل گردیده است . امپریالیسم آمریکا به بهانه “واهی تهدید” “منافع حیاتی” با تشدید بی سابقه حضور نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند نه تنها استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران ، بلکه استقلال دیگر خلق ها و کشورهای منطقه و نیز صلح و امنیت جهانی را در معرض خطر واقعی قرار داده است .
بقیه در صفحه ۲

و خورشیدها تکرارشان می کنند ، در همه لبخندها ، و در همه پیوندها

گزارشی از واپسین لحظات زندگی ده شهید توده ای

در صفحه ۳

خنثی کردن توطئه های دشمن يك ضرورت انقلابی است

میهن ما دوران پیر تلاطم ، بغرنج و دردناکی را می گذراند . تسلط جناح ارتجاعی در حاکمیت و خیانت آشکار به آماج های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب و تشدید اختلافات گروهی درون حاکمیت از سویی و توطئه های امپریالیستی که ادامه جنگ فرسایشی بی حاصل و خانمانسوز یکی از مظاهر آن است ، از سوی دیگر ، کشور ما را با بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است . رژیم برای حفظ سلطه خود هر چه بیشتر به حربه ترور و اختناق روی می آورد که این نیز به نوبه خود بیش از پیش او را در جامعه منفرد و با بن بست مواجه می سازد . شکنجه و قتل اعضا و حزب توده ایران نیز نتیجه ناکزیر این سیاست ضد خلقی حاکم ارتجاعی بوده و هست .
حزب توده ایران در سراسر زندگی پر تلاش و رزمجویانه خود فقط و فقط در راه نجات توده های محروم جامعه پیکار کرده و از کلیه امکانات ، که رژیم های حاکم همواره در تحدید آن کوشید هاند ، برای بردن برنامه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی خود میان مردم به قصد بالابردن آگاهی سیاسی توده ها ، استفاده کرده است . حزب ما در این راه قربانی های بیشماری نیز داده است . تاریخ حزب ما با تاریخ معاصر نهضت های رهایی بخش نه تنها ایران ، بلکه سراسر منطقه پیوند ناگسستنی دارد . حزب ما در مبارزه خود در راه منافق طبقه کارگر و همه زحمتکشان از همه پیشنهادات و حتی وعده ها ، هر قدر محدود و نیم بند ، ولی اندکی بسود توده های محروم ، بدون در نظر گرفتن بقیه در صفحه ۶

رئوس مهمترین وظایف هسته های حزبی در شرایط کنونی

- * فعالیت غیر متمرکز توده های حزبی سازمان یافته در هسته های کوچک در صورتی می تواند شریکترین نتایج را ببار آورد که زیر نظر رهبری متمرکز حزب انجام پذیرد .
- * همه چاره اندیشی ها باید در خد مت بالابردن سلامت و امنیت سازمان برای فعالیت پربار حزبی قرار گیرد .

مختصات و درونمایه اصل عدم تمرکز سازمانی

هدف از کارست شکل خاص اصل عدم تمرکز در شرایط کنونی ایران از سوی حزب ما نیز دقیقاً حرکت در همان راستا است . حزب می خواهد سازمان های حزبی ، با روح حاکم بر رعایت همین اصول جان بگیرند و توانایی های خویش را رشد و گسترش بخشند .
در این رهگذر ، باید توجه داشت فعالیت غیر متمرکز توده های حزبی شکل یافته در هسته های کوچک تنها در صورتی می تواند شریکترین نتایج را ببار آورد که زیر نظر رهبری متمرکز حزب انجام پذیرد . همه هسته های کوچک و جدا از همی که تشکیل می شوند از نظر ایدئولوژیک و سیاسی وحدت دارند . این وحدت بدون پایه و پرچم نیست . پایه این وحدت عمیقاً منطقی را مطالعه و بررسی پیگیر نوشته ها و رهنمود های مندرج در ارگان مرکزی حزب (“نامه مردم”) و دیگر اسناد انتشار یافته از سوی مرکز حزب می ریزد . باریگر تأکید می کنیم ، از نظر سازمانی هیچ ریسمان و حلقه پیوند دهنده ای بین هسته ها وجود ندارد . البته شالوده های ضرور وحدت سازمانی از طریق تمرکز ارتباط ها بقیه در صفحه ۵

امروز حزب توده ایران اصل عدم تمرکز سازمانی را در شرایطی می پذیرد و اعضا و هواداران حزب را موظف به رعایت آن می داند که دستاویز کویر رژیم جمهوری اسلامی در پی دو بیورش وحشیانه به حزب ما ، جز با زبان پیگرد و دستگیری و زندان جز با زبان شکنجه و اعدام با مبارزان انقلابی مردم سخن نمی گوید . بکارگیری این اصل زمانی مثبت و کارساز است که سرشت و ژرفا و اهمیت آن به درستی درک و با دقت در عمل پیاده گردد . همه کسانی که می خواهند شیوه عدم تمرکز را در سازماندهی هسته های حزبی بکار برند ، باید برایشان چون روز روشن باشد که فعالیت آن ها به معنای نادیده گرفتن و نقض اصول عام حزب طبقه کارگر نیست .

این اصول عام حزبی عبارتند از: اصل مرکزیت و فکراتیک ، اصل وحدت اراده و عمل ، اصل چیرگی بر هرگونه پراکندگی ، گروه بندی و خرده کاری .
حزب طبقه کارگر ، حزبی است یکپارچه ، هماهنگ ، واحد و دارای توانایی تحرك کامل و انضباط آگاهانه پولادین .

مُحاق

سیاوش کسرائی
در صفحه ۵

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی ، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

اعلامیه مشترک ...

بقیه از صفحه ۱

این جنگ هستی سوزقربانی‌ها، فجایع ویلایا بی‌شماری را بوجود آورد. شمار کشته‌شدگان هرد و سوی اتش جنگ به ۳۰۰ هزار تن و شمار معلولین به ۵۱ میلیون نفر سر می‌زند. شمار ایرانی‌ها و عراقی‌هایی که از خانه و کاشانه خود در نوار مرزی آواره شده‌اند و در پشت جبهه در شرایط دشوار و توانفرسایی زیست می‌کنند از رقم سه میلیون تن می‌گذرد و میزان خسارات مالی به صد ها میلیارد دلار بالغ می‌شود.

جنگ، بختک‌نگرانی و دل‌پره فراگیری را به جان مردم انداخته است. در بین زحمتکشان کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که به سوگواری‌عزیزی زانوی غم در بر نگرفته باشد. صد ها هزار مادر و پدر که جوان نوری در جبهه سوزان جنگ دارند با دل‌پره مرگ بیهوده فرزندان دل‌بند خویش دست به گریبانند.

جنگ موجب در غلطیدن اقتصاد کشور به کام بحران ورشکستگی شده است. وابستگی صنعتی به جهان سرمایه‌داری تشدید شده و کشاورزی بسا بحران عمیقی روبرو است. تورم و گرانی سرسام آور و بیکاری و مهاجرت فزاینده روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها پی آمد ناگزیر ادامه جنگ است. کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان زیر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ دست و پا می‌زنند.

ادامه جنگ شرایط قدرتی‌گیری و تسلط نیرو-های ارتجاعی راستگرا، حامیان منافع ترنگرانسه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را در حاکمیت جمهوری اسلامی فراهم آورده است. جنگ عامل عمده چرخش حکام جمهوری اسلامی به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور است.

به بهانه ادامه جنگ، خواست‌ها و اعتراضات توده‌های مردم و نیروهای انقلابی را با اشکال خشن و غیر انسانی در نطفه خفه می‌کنند. کارگران که در ارتباط با شرایط سخت زندگی خود دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند بازداشت و زندانی می‌شوند. دهقانان محترض به بازگشت بزرگ مالکان و بازستاندن زمین‌های واگذار شده سرکوب می‌شوند. خلق کرد که خواستار پایان بخشیدن به محرومیت‌های تاریخی و احراز حق مشروع خود مختاری در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور است، به خاک و خون کشیده می‌شود.

ادامه جنگ بدون خرید جنگ افزارهای پیشرفته‌مقدور نیست. بر این اساس، رژیم فاشیستی ایران نفت، به سوی انحصارات امپریالیستی روی آورده و به مشتری سودرسان سوداگران مسرگ تبدیل شده است. تشدید روند وابستگی نظامی به امپریالیسم و بازسازی تاسیسات صنعتی صد مه دیده و ویران شده، شرایط سرازیر شدن سود کلان به حلقوم سپیری ناپذیر انحصارات صنعتی و نظامی را فراهم می‌کند. نیاز رژیم برای خرید

قطعات یدکی جهت جنگ افزارهای آمریکایی، حربه کارسازی در رکف امپریالیسم نهاده تا قرارداد های اسارت بار و نابرابری در زمینه های گوناگون نظامی و اقتصادی به کشور ما تحمیل کند.

سران جمهوری اسلامی که به دنبال حملات پیاپی و نافرجام از پشتیبانی مادی و معنوی مردم محروم مانده‌اند و به علت عدم آمادگی برای پذیرش صلح، جنگ را به بن بست نظامی، سیاسی و اجتماعی کشیده‌اند، به این "نتیجه" رسیده‌اند که پیروزی در میدان جنگ لزوماً با حمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به دست می‌آید. از این رو، مدت‌هاست که سیاست خارجی هیئت حاکمه با روند بازسازی وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و همسویی و همسانی سیاسی با برپا کنندگان و آتشپایان اصلی جنگ آمیخته است.

پس از گذشت چهار سال از آغاز جنگ، در شرایطی که ادامه آن به وسیله شومی برای اجرای اهداف و مطامع ماجراجویانه و بلند پروازانه "صدور انقلاب" سردمداران رژیم تبدیل شده است، توده‌های زحمتکش دیگر حاضر به ادامه این جنگ نیستند. موج ناخشنودی و اعتراض توده‌های وسیع مردم نسبت به سیاست ادامه جنگ هر روز به اشکال گوناگون بالا می‌گیرد. اوج‌گیری روحیه ضد جنگ در میان همه اقشار و طبقات زحمتکش و حتی رده‌های گوناگون نظامی و بسیج، با سیاست سرکوب آشکار و پراکندن بذر رعب و وحشت روبرو شده است. کار به جایی رسیده که مقامات دولتی، از جمله رئیس جمهوری، هرگونه "سیاست‌سازی" به معنی بحث و گفتگو و تفکر درباره علل و درنما و فرجام جنگ را ممنوع اعلام کرده‌اند. رسانه‌های گروهی زیر ساطور شدیدترین سانسور قرار گرفته‌اند تا مبادا گوشه‌ای از خواست‌های صلح طلبانه توده مردم بازتاب یابد. ولی با وجود این، رژیم موفق به فرونشاندن روحیه صلح خواهی مردم نشده و نخواهد شد. روزی نیست که جوانان از جبهه نگرینند، روزی نیست که در مراسم سوگواری جوانان و کودکانی که از کارگاه‌ها و مدارس و مزارع به میدان‌های مین کشیده شده‌اند، شعارهای ضد جنگ داده نشود. روزی نیست که فریاد اعتراض مادران و پدران داغ دیده شنیده نشود. روزی نیست که کارگران و کارمندان به کسریک روز از حقوق ناچیز خود برای جنگ اعتراض نکنند. مردم از کمک به جبهه و رفتن به جبهه خود داری می‌کنند.

در شرایط کنونی جنگ به عامل کارآمد و موثر پیاده کردن اهداف و پسگرایانه و ضد ملی رژیم تبدیل شده است. ادامه جنگ نتیجه‌ای جز زرفش و گسترش سیاست ضد دموکراتیک و استقلال بر باد ده، جز تشدید روند بحران اجتماعی و اقتصادی و تحکیم وابستگی نظامی و اقتصادی به امپریالیسم، جز استوار شدن مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و دیگر یغماگران داخلی و خارجی، جز غارت دسترنج ناچیز کارگران و دهقانان و گوشت دم توپ کردن فرزندان توده‌های محرومندارد.

پی آمد های فاجعه‌بار این جنگ نه تنها با دامنگیر نسل امروز، بلکه نسل‌های آینده ایران نیز هست. سیاست "اقتصاد جنگی" و غیره سرپای هستی جامعه را در خدمت اهداف توسعه طلبانه

و ماجراجویانه حکام ارتجاعی گذاشته است. هم‌میهنان عزیز

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همان آغاز جنگ موضع اصولی قاطع و عمیقاً مردمی و ضد امپریالیستی نسبت به جنگ داشته‌اند و در حال حاضر نیز دارند.

توده‌های ها و فدائیان برای انجام وظیفه ملی و میهنی خویش قهرمانانه دوشادوش مردم رستگرفه خونین و مقدم جبهه علیه اشغالگران رژیم‌ند و از هیچ‌گونه ایثار و فداکاری فروگذار نکردند. هیچ‌کس نمی‌تواند حماسه آفرینی‌ها و نقش تعیین کننده افسران میهن پرست همانند افضل‌ی‌ها، کبیری‌ها و عطریان‌ها را در روزهای جنگ کدر خاک میهن ما جریان داشت، نادیده انگارد، فاتحان میدان‌های جنگ که به دست حکام ارتجاعی به جرم میهن پرستی به جوخه‌های اعنام سپرد شدند.

با درهم شکستن نقشه مهاجمین، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به حق خواستار پایان جنگ شدند. شعار پایان جنگ که به گونه‌ای ژرف با منافع و سیاست ارتجاع حاکم در تضاد بود، یکی از عوامل عمده یورش سبعمانه به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شد. ولی گذشت زمان و واقعیت سرسخت زندگی حقایق شعارها و پیشنهادهای ما را ثابت کرد و نشان داد که ادامه جنگ تنها به زیان خلق‌های ایران و عراق و به سود امپریالیسم آمریکاست.

در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی، جنگ به عنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن ما بشمار می‌آید. در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم هر سال "هفته جنگ" برگزار می‌کند و با تبلیغات پر دامنه پیرامون شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" و در پرده نگه داشتن اهداف واقعی خویش از ادامه جنگ به منظور توجیه سپاه‌های خود استفاده می‌کند.

مبارزه علیه مداخله امپریالیسم و مبارزه علیه نیروهای واپسگرا و آزادی‌کش حاکم عمیقاً و ماهیتاً یا شعار توده‌های "ما صلح می‌خواهیم نه جنگ" پیوند دارد. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه احزاب و سازمان‌های ضد امپریالیست و مترقی، همه نیروها و شخصیت‌های ملی و میهن پرست را فرا می‌خوانند تا یکپارچه و یکصد، دوشادوش توده‌های زحمتکش که بار اصلی جنگ را بردوش دارند، همه توان خویش را بکار گیرند تا "هفته جنگ" را به هفته مبارزه در راه صلح و هفته افشاکاری اهداف رژیم‌زاد ادامه جنگ تبدیل کنند. اتحاد و مبارزه یگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهریور ۱۳۶۳

و خورشیدها تکرارشان می‌کنند،

در همه لبخندها،

و در همه پیوندها

گزارشی از واپسین لحظات زندگی ده شهید توده‌ای

در سرسراها و دهلیزهای پرهول و هراس "اوین" همه‌گه گنگی می‌پیچد. درهای آهنین، یکی پس از دیگری برپاشنه می‌چرخند و سلول - های تنگ و خفه، دهان می‌کشایند.

گروه گروه اسیران درین توده‌ای، اکثریتی، اقلیتی و مجاهد، با مشت و لگد و دشنام و توبی - هین به سالن بزرگ زندان رانده می‌شوند و پیا - دوردیفاز "توابین" محاصره می‌شوند. "توا - بین" چندین برابر بیش از آنها هستند.

ساعت ۱۱ شب است. در و دیوار سالن را شعارهای ارتجاعی و مهیج پوشانده است. باید منتظر حادثه‌ای بود. حتماً جلادان خواب تازهای دیده‌اند، موج دلهره فضا را انباشته است. در چهره‌ها نگرانی موج می‌زند. لبخند شوم برچهره خالی از عاطفه زندانبانان سایه انداخته است.

چه خبر شده؟

دندان روی جگر بگذارید کافر! صبر کنید، خودتان می‌فهمید!

گفته‌های استهزا آمیز زندانبانان و "توابین" از هر سوشنیده می‌شود. غبار دردی چهره‌ها نکیده. زندانبانان را تیره تر می‌کند. لحظاتی چند سکوتی پردغدغه سالن را فرا می‌گیرد. صدای گامهایی می‌آید. و بالاخره آنها را می‌آورند، در محاصره پاسداران و شکنجه‌گران اینانند.

میهن پرستان توده‌ای،

گل‌های سرسبد انقلاب

فاتحان قلب مردم،

دروازه‌های مسرگ

و شکنجه‌گاههای پرهول...

همگی مرتب هستند و سر و وضع آراسته‌ای دارند. آنان به مهمانی خون می‌روند.

این ناخدا افضلی است. کاپشن و شلوار پوشیده، ریشش را اصلاح کرده و لبخند محزون بر لب دارد. انگار همراه عطاریان و کبیری به مقر فرماندهی می‌روند. انگار که اسیران انقلابی را سان می‌بینند.

پیش به سوی پیروزی! مقاومت کنید! مردم با شما هستند.

اینان قهرمانان میهن درد مند و ستمکش ما هستند، ناخدا افضلی، فرمانده نیروی دریایی، سرهنگ عطاریان، فرمانده عملیات غرب، سرهنگ بیژن کبیری، فاتح خرمشهر، این سرهنگ آذرفر است. اینان فاتحان قلب مردمند. از سویی دشمن را از مرزهای میهن

واپس رانند و از دیگر سو خواستار پایان جنگ شدند. و همین بود که کفه "جرم" آنها را در بیدادگاه "شرع" سنگین تر کرد.

نگاه کنید این فرزند جهاد است. محکم تر و استوارتر از همیشه.

غلامرضا خاضعی، تجسم درد محروم ترین مردم میهنش.

این شاهرخ جهانگیری است. انگار هنوز با پسر بازیگوشش سخن می‌گوید:

"فرصت نشد زیاد باهم باشیم. مرا ببخش من در راه آرمانی والا کار کردم و به شهادت می‌رسم. راه مرا پیش گیر..."

این خسرو لطفی است. هم اوست که با سازمان دهی مردم و سنگر بندی در مقابل

گاردی‌ها ایستاده است. هم اوست که سر لشکر ریاحی را دستگیر کرده و به عدالت می‌سپارد، و امروز به جرم میهن پرستی اعدام می‌شود.

این‌ها محمد و ابوالفضل بهرامی نژاد هستند، فرزندان راستین خلق که امروز جان

بر سر آرمانهای انقلابی خود می‌بازند...

آمد هاند و روی روی اسیران ایستاده‌اند.

پرغرور و با صلابت با عاطفه و مهربان. زندانبانان لجن پراکنی می‌کنند: "اینها جاسوس بودند... اینها ساعتی دیگر اعدام خواهند شد. عبرت بگیرید..."

غرشهای خشمگینی در زندان می‌پیچد: نه اینها جاسوس نیستند.

اینها بهترین فرزندان انقلابند.

اینها گل‌های سرسبد میهن ما هستند. به اشاره زندانبانان "توابین" که قبلاً

آموزش لازم را دیده‌اند، شروع به سروصدای افحاشی می‌کنند. از گوشه و کنار سالن همه‌مه و سروصدای برمی‌خیزد... سپس سکوت برقرار می‌شود.

یکی از زندانبانان روبه ناخدا افضلی می‌گوید: "بگوئید که چه جنایتهایی کرده‌اید؟ بگوئید که جاسوس بود هاید!"

رفیق افضلی فریاد می‌زند:

"ما هرگز جاسوس نبودیم. ما جز خد مت به مردم و جمهوری اسلامی کاری انجام نداده - ایم. من نمی‌دانم تحت چه شرایطی این حرفها

زده شده. اما این واقعیت است: ما برای شوروی جاسوسی نکردیم. ما این حرفها را تأیید نمی‌کنیم."

سگره‌های شکنجه‌گران در هم فرو می‌رود. توابین باردیگر به اشاره آنها علیه افضلی شعار

می‌دهند و گوجه فرنگی و غذاهای گندیده‌ای را

که قبلاً آماده کرده‌اند به سوی او پرتاب می‌کنند. ناخدا افضلی لبخند می‌زند و سروصورتش را پاک می‌کند.

حالا نوبت فرزند جهاد است. بی آن که اندیشه مرگ در ایمان او به حزنش و به مردم خللی ایجاد کند، آرام و پرغرور می‌گوید:

"ما در دامان پاکتی پرورش یافتیم که راهی جز راه خلق نداشته است. به حرفهایی که این

ها در باره ما می‌گویند باور نکنید. این حرفها همه تهیبت و دروغ است."

"توابین" دیگر بار فحاشی را آغاز می‌کنند و با حمله به میهن پرستان توده‌ای که در آستانه اعدام بودند، آنان را زیر باران مشت و لگد

می‌گیرند. ارباب زندان که به هدفهای خود نرسیده‌اند و این صحنه پردازی به زیانشان تمام شده، می‌خواهند هرطور که هست از سخن گفتن

بقیه محکومان جلوگیری کنند.

در این هنگام یکی از اسیران اقلیتی فریاد می‌زند:

"فاشیستها، جنایتکارها، اگر جواب راهی که حزب توده رفته این بود، پس، از این لحظه به بعد من هم یک توده‌ای هستم. مرا هم اعدام کنید!"

"توابین" بر سر او می‌ریزند و تا سرحد مرگ کتکش می‌زنند و بدن خونینش را از سالن زندان بیرون می‌کشند.

پاسداران و شکنجه‌گران زندانبانان، میهن پرستان توده‌ای را کشان کشان به طرف درخرو - جی سالن می‌برند. اسیران دریند، به هنگام

بردن آنها گریه می‌کنند. رفیق افضلی کمبغض گلوش را می‌فشارد، پیش از خروج از سالن می‌گوید:

"گریه نکنید رفقا، ما در راهی شهید شدیم که به آن افتخار می‌کنیم."

خاموشی تلخ و سنگین و انتظار جانکاه و دغدغه آمیزی فضای سالن را می‌آورد. دقایقی

بعد، ابتدا صدای شلیک تک گلوله، سپس غرش رگبارهای بی‌دری سکوت زندان را می‌شنکند.

عطر خون قهرمانان شهید فضا را انباشته است.

آنها را اعدام کردند.

این است سزای میهن پرستی.

پاسداری با شتاب به سالن می‌آید و نفس زنان می‌گوید: "من یکی از اعضای جوخه آتش بودم."

درصدایش کینه عجبیی موج می‌زند: "ما این کثافتها را کشتیم. اینها که می‌گفتند ما جز خدمت به جمهوری اسلامی کاری نکردیم، تا آخرین لحظه آهنگ مرا بیوس را می‌خواندند و درود به حزب توده می‌گفتند."

لبخندهای تلخ، اما غرور انگیز بر چهره یکایک اسیران می‌نشیند. مأمور جوخه می‌گوید:

"ما هم در دهانشان شلیک کردیم تا دهانشان بسته شود."

بقیه در صفحه ۷

ما می‌گوییم: نه فقیر، نه کلان‌سرمایه‌دار

چندی پیش آقای منتظری به هنگام سخنرانی نوبتی، دانسته‌ها ندانسته بر مجموعه گفته‌ها و نوشته‌های ما مبنی بر اینکه سران ج ۱۰ در سرراشیب احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته پیش می‌تازند، صده‌گزارد. او گفت: "باید کار مردم را به دست مردم واگذار نموده و دولتست هدایت‌کننده و ناظر و مراقب جریان تولید و توزیع باشد. زیرا آن انگیزه و علاقه خاص و بکار گرفتن تخصص‌های لازم که در افراد برای پرداختن به تولید و توزیع وجود دارد، در صورت دولتی شدن آنها وجود نخواهد داشت" (اطلاعات، ۲۳ تیر ۶۳).

آقای منتظری با تکرار آنچه مشاورین مربوطه به ایشان تلقین کرده‌اند در مقام مخالفت صریح با بخش دولتی، علیه اصل ۴۴ قانون اساسی برآمده است. در این اصل نقش اساسی در اقتصاد ج ۱۰ به عهده بخش دولتی و سپس بخش تعاونی گذارده شده و بخش خصوصی فقط مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. ولی آقای منتظری نقش بخش دولتی را برخلاف نص صریح قانون اساسی تا سطح "ناظر و مراقب جریان تولید و توزیع" تنزل می‌دهد.

"سپردن کار مردم به سرمایه‌داران" که آقای منتظری مبلغ آنست. به معنی دفاع از کلان‌سرمایه‌داران و صاحبان ثروت است. او این وظیفه را نیز به عهده می‌گیرد و می‌گوید: "این تفکر غیر اسلامی در گوشه و کنار جامعه هنوز احیاناً دیده می‌شود که بعضی‌ها با پولدار و متمکن شدن بعضی دیگر مخالفت و چنین می‌پندارند که اگر مردم دیر شود که همه مردم فقیر باشند یا عده‌ای فقیر و عده‌ای متمکن و آن عده متمکن از طریق اعانات و خیرات و نوع دوستی به دیگران کمک کنند، به نظر اینها بهتر آنست که همگی فقیر و غیر متمکن باشند. به نظر من این یک چپ‌گرایی و کوشه نظری است که در جامعه ما هنوز آثار آن دیده می‌شود و تفکر رستی نیست" (همانجا). نه آقای منتظری، آنچه شما با سوءاستفاده از اسلام به خورد مردم می‌دهید چپ‌گرایی نیست، سفسطه‌عریان به قصد دفاع از کلان‌سرمایه‌داران غارتگر است. چپ‌ها هیچوقت نگفته‌اند که همه مردم باید فقیر باشند. درست برعکس، چپ‌ها معتقدند که در آمد ملی کشور باید بطور عادلانه بین ساکنین آن تقسیم شود تا در جامعه نه فقیر و نه کلان‌سرمایه‌دار وجود نداشته باشد. این را می‌گویند عدالت اجتماعی، که خواست توده‌های میلیونی مردم در جریان انقلاب بود. در صورت استقرار عدالت اجتماعی در جامعه، دیگر نیازی نخواهد بود تا میلیون‌ها کارگر و دهقان و کارمند ایرانی دست‌تکدی (همان‌چیزی که شما اعانات و خیرات می‌نامید) به سوی صاحبان سیم و زرد راز کنند.

مردم به حق می‌پرسند: فرق بین ج ۱۰ و رژیم شاه در کجاست؟ مبلغین این نظر سخیف

که "دولت تاجر خوبی نیست" و "کار مردم را باید به مردم سپرد"، در حقیقت از کسانی دفاع می‌کنند که به قول آقای صانعی یک قلمد رآمد شک یک میلیارد تومان است و در یک معامله، ۳۰۰ میلیون تومان سود می‌برند (اطلاعات، ۲۳ تیر ۶۳). آنها مبلغ این فخر هم هستند که دولت کارخانه دار خوبی نیست و باید کارخانه‌های ملی شده را به سرمایه‌داران فراری بازگرداند.

مگر در دوران رژیم خود کماه شاه جز این می‌گفتند؟ مگر در آن ایام صاحبان ثروت زیر پوشش "دولت تاجر خوبی نیست" و "کار مردم را باید به مردم سپرد" با بخش دولتی مبارزه نمی‌کردند؟ در سرمقاله شماره ۲۲ آذر ۱۳۵۴ مجله "تهران اکونومیست" چنین می‌خوانیم: "روزی نیست که خیر دخالت دستگاه‌های دولتی را در امور مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات نشنوم و سرمایه‌گذاری‌های دولت را مشاهده نکنیم". نویسندگان از اینجا نتیجه می‌گیرند که باید همه امور تولیدی و توزیعی را به دست صاحبان سرمایه سپرد.

روزنامه کیهان (۲۷ آذر ۱۳۵۴) مخالفت با بخش دولتی را چنین بیان کرد: "دولتی که ۸۰ درصد درآمد ملی را کنترل می‌کند، اگر بهترین و فعالترین کادرها را نیز در اختیار داشته باشد لاجرم به سوی ایجاد یک جامعه دولتی گرایش خواهد یافت. چنین تحولی نمی‌تواند به سود جامعه‌ای باشد که برای ابتکار فردی اهمیست قائل است".

میان آنچه هشت سال پیش نظریه پردازان رژیم شاه در "تهران اکونومیست" و "کیهان" می‌نوشتند با آنچه امروز آقای منتظری مطرح می‌کند هیچ فرقی نیست. آنچه را "کیهان" هشت سال پیش "ابتکار فردی" می‌خواند، آقای منتظری "انگیزه و علاقه خاص" در تولید و توزیع می‌نامد و هر دو از یک دید واحد به بخش دولتی می‌تازند. همسانی نظر و اندیشه آقای منتظری و نظریه پردازان رژیم شاه تصادفی نیست و از دید طبقاتی واحد سرچشمه می‌گیرد. همه آنها از نظام منحن سرمایه‌داری وابسته و بی‌آمدهای مخریان دفاع می‌کنند. اینکه امروز برای تیره سرمایه‌داران غارتگر و "ثروتمند"های اقتصادی از احکام شرعی مدد می‌گیرند ماهیت را تغییر نمی‌دهد و نمی‌تواند تغییر بدهد.

آقای منتظری فراموش می‌کند که مردم ایران کشته‌نندگان تا مدافعان چپاول و غارتگری این بار در کسوت دیگری برارینکه قدرت‌تکیه زنند. مردم میهن ما انقلاب کردند تا به سیادت صاحبان ثروت پایان دهند و به استقلال و آزادی عدالت اجتماعی دست یابند. کوشه نظری است، اگر فرض شود که با وجود ورطه میان فقر و ثروت، مبارزه در این راه پایان خواهد یافت.

خبرنگار نامه مردم در میان مردم

خارجی‌ها

از انگلیس‌ها برای بازسازی پالایشگاه نفت آبادان دعوت شده است. در این رابطه زورسای قسمت‌های مختلف شرکت نفت خواسته‌اند که میزان خرابی‌ها را تخمین بزنند و به شرکت اطلاع دهند.

xxx

منحصمین آلمان غربی برای رویار کردن مرکز اتمی به بوشهر آمده‌اند. کارمندان ایرانی را از خانه‌های سازمانی بیرون انداختند و این‌خانه‌ها را به آلمانی‌ها دادند.

xxx

بانک ملی به مسافران خارج از کشور دلار نمی‌دهد. کارمندان بانک در پاسخ اعتراض مسافری می‌گویند دلار فقط بابت حقوق به خارجی‌هایی داده می‌شود که در ایران کار می‌کنند.

ولخرجی از جیب مردم

سالانه ۱۱۰ میلیون تومان هزینه برگزاری جشن‌های دهه فجر است که ظرف ده شب صرف پذیرایی از هیئت‌های به اصطلاح اسلامی در هتل‌های گران قیمت می‌شود. صورت حساب‌ها محرمانه توسط نخست‌وزیر پرداخت می‌شود.

xxx

ما هانه رقم‌های هنگفتی بالغ بر پانصد تا ششصد هزار تومان در اختیار مسئولین انجمن اسلامی در آلمان فدرال قرار می‌گیرد و رقمی در رشت تر، به انجمن اسلامی در انگلستان موسوم به گل سرخ پرداخت می‌شود. بهانه پرداخت این ارقام، تبلیغ به فنج ج ۱۰ است. و در حقیقت حق و حسابی است که به جیب چند نفر مفت‌خور جاسوسی رود که "وظایف" خود را در زیر نظر گرفتن هموطنان به نحو احسن انجام بدهند.

دلال آشنا

شرکت تابلوت قطعات پیکان را با پار میانی خیابانی سپاهدار سابق شرکت ایران ناسیونال به دولت ایران می‌فروشد. خیابانی در این میان نقش دلال را به عهده دارد و پورسانت‌های خوبی دریافت می‌کند.

چشم و گوش‌های جدید رژیم

از برخی پاسداران ناقص‌العضو و معلولین جنگی برای خبرچینی، زیر نظر گرفتن رفستو آمد اشخاص و اماکن مختلف، کنترل نامه‌ها و تلفن‌ها در چارچوب همکاری با "ساواجا" (سازمان اطلاعات و امنیت ج ۱۰) استفاده می‌شود.

شایعه نیست

ملکوتی، امام جمعه تبریز در سخن رانی‌های جمعه گفته است، در این شهر دو میلیون نفری فقط هفتاد هزار رای داده‌اند، آن وقت صد هزار نفر تقاضای پیکان کرده‌اند. به همین خیال باشید، پیکان‌ها را به شما خواهیم داد.

رئوس مهمترین وظایف هسته‌های حزبی در شرایط کنونی

بقیه از صفحه ۱

در مرکز حزب از هم اکنون وجود دارد. هم‌این هسته‌ها که با رشته‌ای به رهبری حزب پیوند- می‌یابند، در موقع ضرورت با جوش خوردن به یکدیگر، سازمان واحد حزب را می‌سازند.

عدم تمرکز مطلق:

هسته‌های سه تا پنج نفری

در گزارش هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تصریح می‌گردد که "تجدید تشکیلات حزب در کشور مهمترین، حادثه‌ترین و مرکزی‌ترین مسئله ما در حال حاضر است." در برخورد اصولی به این مسئله، پراهمیت، و در زمینه وظیفه سنگینی که در راه احیاء سازمان‌های حزبی بردوش اعضا و هواداران حزب در ایران قرار دارد، اطلاعیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب ("نامه مردم" شماره ۳) انتشار یافت. در این اطلاعیه بد رستی بر ایجاد هسته‌های کوچک و مستقل تأکید شده است. اطلاعیه همچنین خاطر نشان می‌سازد که "عدم تمرکز" به معنای ایجاد هسته‌های کوچک حزبی است. هسته‌هایی که از ۳ تا ۵ عضو تشکیل می‌شوند. آن کسانی، بویژه از بین کارگران مبارز و آگاه، می‌توانند عضو هسته‌های مخفی حزبی باشند که در گذشته صادقانه از خود نسبت به جهان بینی حزب پایبندی نشان داده و در برابر دشمنان و دشواری‌ها با پایداری استوار بایستند و بقول معروف با وزیدن هر نسیم ناملایم نهال ایمانشان خم نگردد و از این رو به آن روشوند. هسته مخفی حزبی از گرد همایی چند هوادار و عضو ساده تشکیل نمی‌شود. در هسته‌های مخفی حزبی، انقلابیون ورزیده و زنده‌های سازمان می‌یابند که هر یک کادرهای پرورش یافته آینده حزب از کار در آیند. هسته‌های حزبی باید بخاطر بالارفتن امنیت و سلامت کار حزبی، بدون هرگونه کنجکاو و درباره حضور و وجود هسته‌های دیگر، در محیط کار و زندگی خود برپاشوند و به فعالیت بپردازند. این هسته‌ها پس از شکل گیری و استوار شدن، باید با بهره‌گیری از مطمئن ترین راه‌ها، در اولین فرصت، با مرکز حزب ارتباط برقرار سازند تا فعالیت آنها با فعالیت سازمان یافته عمومی و کشوری حزب هماهنگ گردد.

شکل سازمان درون هسته مخفی

شکل سازمان درون هسته مخفی بخاطر بالا بردن درجه اطمینان و امنیت فعالیت هسته بطور عمده تماس‌های زنجیری دو نفره است. تنها در موارد محین و ضرورت می‌توان تماس مثلثی سه جانبه را پذیرفت. تماس سه جانبه باید با در نظر گرفتن همه جوانب امر، خواه از نظر امنیت گرد همایی و تماس‌ها و آشنایی‌ها، و خواه از نظر

کیفیت و ضرورت عملی ادامه فعالیت بد رستی و واقع بینانه سنجیده شود. در درون هسته سه تا پنج نفری نباید شناسایی‌های جدید و بی مورد بوجود بیاید. شناسایی بی مورد می‌تواند اسباب لو رفتن سازمان یا هسته مخفی انقلابی را فراهم سازد. تماس بین اعضا، هسته باید تا سرحد امکان طبیعی ترین شکل ممکن را داشته باشد. اطلاعات هر کس در درون گروه دقیقاً در چارچوب نیاز مبرم او برای ادامه فعالیت بگنجد. در یک کلام، همه چاره اندیشی‌ها باید در خدمت بالا بردن سلامت و امنیت سازمان برای فعالیت برقرار حزبی قرار گیرد.

رئوس مهمترین وظایف

هر هسته حزبی بسته به توان، ظرفیت و امکانات فعالیت خویش می‌تواند بخشی از وظایف عمومی هسته‌های حزبی را در سرلوحه برنامه فعالیت خویش قرار دهد و پا به پای رشد تجربه و توانایی‌های هسته وظایف تازه به تازه‌ای را به برنامه بیفزاید. وظایف هسته‌ها در برگیرنده دو رشته فعالیت است: فعالیت‌های درون حزبی یا هسته‌ای و فعالیت‌های بیرون حزبی.

مُحَاق

- وطن من خسته‌ست
- وطنم آزده‌ست
- وطنم مجروح سنگرهاست
- وطنم فرزندان‌ش را از کف داده‌ست
- وطنم در راه دهکده و شهر، غریب
- وطنم آواره‌ست
- کارخانه وطنم را زائد دانسته‌ست
- وطنم دارد در زندان‌ها می‌میرد
- روشنان! شعله به جانان! مددی
- وطنم را دارد تاریکی می‌گیرد!

سیاوش کسرائی

ارد بیبهشت ۱۳۶۳

الف - فعالیت‌های درون حزبی یا درون هسته‌ای: بالا بردن کیفیت و کارایی عمومی هسته حزبی، فرآزموی همه جانبه، مارکسیسم - لنینسم آشنایی هر چه دقیق‌تر با همه زوایای سیاست حزب از طریق مطالعه، منظم و پیگیر "نامه مردم" تبلیغ و تشویق توده‌های مردم، بویژه کارگران به شنیدن "صدای زحمتکشان"، جمع‌آوری کمک مالی و رساندن آن به خانواده‌های بی سرپرست زندانیان سیاسی، چاپ و انتشار و پخش مقالاتی

از "نامه مردم" ارکان مرکزی حزب، تلاش برای بدست آوردن اخبار و بررسی خواسته‌های مردم و رساندن آنها به مرکز حزب و ...

در این چارچوب بویژه رساندن اخبار موثق و واقعیت‌های جاری کشور، یعنی گزارش هر خبر و رویداد از محیط‌های گوناگون اجتماعی (گزارش مشکلات و مبارزات مردم، گزارش اعتصابات و اعتراضات، گزارش آزادی‌کشی و وضع زندان‌ها و زندانیان و ...) به مرکز حزب از اهمیت بسزایی برخوردار است. اطلاعات و اخبار خود را می‌توانید از طریق دوستان و خویشاوندان مطمئن خود که راهی خارج از کشور هستند به آدرس "نامه مردم" ارسال دارید.

ب - فعالیت‌های بیرون حزبی: رفتن به میان توده‌های مردم و برانگیدن بد نظریات حزب در بین آنها، با در آمیختن چیره دستانه کار علنی با کار مخفی، شرکت در مبارزات روزانه توده‌های زحمتکش پیرامون خواسته‌های مشخص صنفی، سیاسی و طبقاتی، آشنا ساختن کارگران با مضمون حقوق و آزادی‌هایشان، تشویق کارگران آگاه و مبارز به تشکیل هسته‌ها و کمیته‌های رهبری مخفی برای پیشبرد امور سندیکایی خود، افشای سیاست‌های ضد دهقانی رژیم روستاها و بطور کلی روشنگری و تشکیک.

رقصا! اصل عدم تمرکز سازمانی، ایجاد هسته‌های کوچک و مستقل یک تاکتیک اصولی و آزموده شکل نیروها است. پشت این سیاست سازمانی کوهی تجربه خفته است. ای چه بسا رفقایی خواسته یا ناخواسته در برابر این پرسش قرار بگیرند که در شرایط کنونی که بحران ژرفی جامعه را فرا گرفته است و جنبش انقلابی در کشور روبه اوج است چرا باید دست به فعالیت حزبی غیرمتمرکز زد، مگر یک گروه بزرگ یا سازمان سراسری نمی‌تواند از ده‌ها صد‌ها هسته سه تا پنج نفری کار برتر باشد؟ پاسخ من با قاطعیت عبارت است از: نه! و صد البته نه! پاسخ ما از آنرو منفی است که خرد به ما حکم می‌کند نباید اسیر کمیت و ظاهر فریبنده واحد‌های بزرگ و پر شاخه و شعبه شد. واحد‌هایی که طبیعتاً نمی‌توان بر آنها نظارت پر و سواس بکار بست و در نتیجه درجه ضربه پذیری آنها بالاست و دسترسی پلیس به آنها آسان. در راه درستی این سیاست سازمانی و اهمیت کار غیر متمرکز در شرایط خاص از لنین نیز می‌توان آموخت و پاسد گرفت:

"در بین ما اغلب می‌توان به سوسیال-دمکرات‌هایی برخورد نمود که وقتی از گروه‌های پنج نفری و سه نفری صحبت بیان می‌آید پوز-خند می‌زنند؛ ولی این پوزخند چیزی نیست جز یک وسیله پیش پا افتاده برای نادیده انگاشتن مسئله جدید تاکتیک و سازمان ...". (منتخبه آثار چهار جلدی، ص ۱۹۸)

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی یک وظیفه انقلابی است!

خنثی کردن توطئه‌های دشمن ...

بقیه از صفحه ۱

ماهیت طبقاتی ارائه کنندگان آنها پشتیبانی کرده است. ما با این روش صحیح و منطقی خود نه تنها اینگونه پیشنهادات و وعده‌ها را به نیروی مادی در تجهیز توده‌ها مبدل می‌سازیم، بلکه در صورت عدم اجرای آن، هاسرشت واقعی گردانندگان چرخ‌های مملکتی را آنچنان که هست نزد توده‌های زحمتکش افشا می‌کنیم. برای دریدن نقاب خدعه و تزیین از چهره گردانندگان رژیم راهی جز این وجود ندارد. با افتادگی سیاسی است که می‌توان مبارزه توده‌ها را سازمان داد. زحمتکشان باید با تجربه خود، در عمل به ما هیئت ضد مردمی هیئت‌حاکمه پی ببرند. یکی از علل عمده یورش غیر انسانی به حزب توده ایران را نیز باید در پیروی حزب ما از این سیاست پیکاری کرد. حاکمیت با هجوم بربر-منشانه به حزب توده ایران قصد آن داشت تا این حربه برنده و موثر را خنثی کند و بدینسان بزرگ-ترین مانع انقلابی را در لنگد مال کردن آماج‌های انقلاب و سازش با امپریالیسم از پیش‌پای خود بردارد. ولی سیر حوادث به ثبوت رساند که دشمن کسور خوانده بود.

برگزاری موفقیت آمیز پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، احیای ارگان‌های رهبری و تبلیغاتی حزب با وجود مشکلات عظیم در فاصله زمانی کوتاه و آغاز سرپیموسازی سازمان‌های حزبی در داخل و خارج کشور، افشاه مستتر آنها ماست بی اساس و واهی سران رژیم و عمال امپریالیسم به حزب پر افتخار طبقه کارگر ایران، خنثی کردن تبلیغات سوء ضد توده‌های و ضد شوروی دشمنان خلق، که در مجموعه آنها اعضا و هواداران حزب و سازمان جوانان نقش مهمی ایفا کردند و نیز حمایت بی دریغ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر نیروهای ملی و مترقی، همگام با همبستگی انترناسیونالیستی گسترده احزاب کمونیستی و کارگری و سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی جهانی پاسخ دادند اشکن و ضربه کاری به رژیم ترور و اختناق در کشور بود.

ناگفته پیداست که رژیم از مقابله با حزب توده ایران از طریق آوردن انواع اتهامات دست بر نخواهد داشت. تجربه گذشته می‌آموزد که دشمن برای رسیدن به هدف از هیچ وسیله‌ای هر اندازه کثیف ابا ندارد و ساکت نخواهد نشست. حزب ما به مثابه یکی از پراسابقه‌ترین، متشکل‌ترین و سرسخت‌ترین مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به مثابه مدافع پیکار منافع توده‌های محروم همیشه در مرکز ثقل ضربات ارتجاع و امپریالیسم قرار داشته و دارد. رژیم هر وقت می‌بیند که یکی از حربه‌هایش کند می‌شود و اثر بخشی خود را از دست می‌دهد به حربه دیگری متوسل می‌شود. بویژه اینکه سران ج ۱۰ برای مقابله با حزب ما از "تجربه" ما مورین ساواک تربیت یافته در مکتب "سیا" نیز بهره می‌گیرند. رژیم می‌بیند که تلاشش برای بی اعتبار ساختن

حزب توده ایران از طریق خدشه دار کردن اهداف

مبارزه آن در گذشته بی نتیجه مانده و این عمل بیشتر به رسوایی خود سران رژیم جمهوری اسلامی انبامیده، اینک از راه تازه‌ای وارد رویاری بسا حزب ما شده، می‌کوشد تا خط مشی مصوب پلنوم هجدهم، شعارهای تاکتیکی حزب و بالاخره شعار مهم در زمینه تشکیل جبهه واحد از نیروهای مترقی و انقلابی، که واقعیت زندگی صحت آن را به ثبوت رسانده، زیر سؤال ببرد. هدف عبارت است از پایین آوردن اعتبار سازمانی، جلوگیری از گرایش مبارزان به سوی حزب و بالاخره معانعت از اتحاد نیروهایی که علیرغم اختلاف نظر در ارزیابی معضلات کشور، در موارد بسیاری دارای نقطه نظرهای مشابهی هستند. هدف از بکار گرفتن این حربه، معطوف ساختن نظر مبارزان به گذشته، ایجاد نفاق و پراکندگی و چندگانگی به منظور جلوگیری از توجه به مسائل حاد است که روند اجتماعی - سیاسی کشور در برابر حزب ما و دیگر سازمان‌های مترقی و انقلابی قرار داده است.

ارگان‌های اطلاعاتی رژیم که با معیارهای ساواکی می‌اندیشند و از شیوه‌های "سیا" ساخته یاری می‌گیرند، برای ایجاد نفاق در صفوف نیروهای انقلابی از انواع ترفند‌های کهنه و نو - از دست و پا کردن اسناد جعلی جهت تحریف خط مشی حزب به منظور گمراهی عناصر ساده و ناآگاه گرفته تا، برپایی سازمان‌های قلبی برای بدام انداختن مبارزان بی تجربه و رخنه دادن عناصر نفوذی در صفوف سازمان‌های انقلابی برای پاشیدن بذ نفاق در میان آنها - بهره می‌گیرند. در شرایط کنونی، با توجه به اهداف پلید و ترفند‌های کثیف رژیم، تقویت صفوف حزب و پرهیز از طرح مسائل غیر ضرور بحث انگیز که جز اتلاف وقت نیروهای انقلابی ثمری ندارد، وظیفه مهم و حیاتی اعضا و هواداران حزب است. هشیاری انقلابی شرط عمده پیروزی در مبارزه است. باید از همه امکانات برای ایجاد تفاهم میان نیروهای انقلابی و مردمی استفاده کرد.

نارضایی عمومی که بازتاب سیاست ضد مردمی حکام ارتجاعی است به درجه‌ای از غلیان رسیده که مردم از ادامه آن شیوه زندگی که رژیم بر آنها تحمیل کرده به ستوه آمده‌اند. اعتصاب‌های کارگری یکسال اخیر در اینجا و آنجا و نیز برخی تظاهرات پراکنده در شهرهای بزرگ، کسه در مواردی به رویاری مستقیم با ارگان‌های سرکوبگر رژیم منجر گردید، نشانگر آنست که نمی‌توان غرض متحد توده‌ها را در سینه خفه کرد.

در چنین اوضاع و احوالی وظیفه‌ای بسس سنگین در برابر نیروهای راستین انقلابی قرار دارد. باید با احساس مسئولیت انقلابی و تاریخی با تکیه به موارد اتحاد (نه موارد اختلاف که هدف اساسی دشمنان مشترک ماست) تمام نیروی خود را بکار گیریم تا از این گسترش نارضایی در جهت برآورده ساختن خواست‌های توده‌های میلیونی مردم بهره گیریم. پیکار در این راه وظیفه فرد فرد اعضا و هواداران حزب و سازمان جوانان ماست.

از لابلای روزنامه‌ها

گران فروشی مردم!

"وسایل دادن به مردم از مساجد برداشته شود که مناسب با شئون مسجد نیست. د وقیمت بودن اجناس به صلاح مردم نیست که جنسی را لازم ندارند، با کوبن و قیمت د ولتی ارزان می‌خرند و گران می‌فروشند"

صاحب الزمانی، نماینده ارومیه (کیهان، ۸ اردیبهشت ۶۳)

— ما کجا مییم. در این بحر تفکر تو کجایی؟! —

گناه صندلی چرخان!

"باید توجه داشت که این بساط تشریفاتی میراث طاغوت، ما را بد عادت نکند، و برای ما این سؤال مطرح است که اگر صندلی چرخان فلان مسئول، فرسوده و از رده خارج شد، باز سراغ صندلی چرخان نو می‌رود یا به سراغ يك صندلی معمولی؟"

حمیدی، نماینده همدان (کیهان، ۸ اردیبهشت ۶۳)

— البته صندلی چرخان، چون "چرخش به راست" با آن آسان تر است!

خجالت آور

"این خجالت آور است که حالا بییم از ترکیه جو خریداری کنیم و به راننده کامیون‌های ترکیه‌ای ۷۵۰۰۰ تومان پول بدیم تا وقتی که به اهر می‌رسد بگوید مگر شما زمین ندارید؟"

معماری، نماینده اهر (همانجا)

— جواب بدید: زمین زیاد داریم. اما متأسفانه زمین‌ها مان پراز "انگل" و "افت" است!

۹ حلقه لاستیک

"۱۳۰۰ روستای منطقه ما يك دامپزشك ندارد. از طرف دیگر برای ۷۰۰ تراکتور منطقه در طول د و سال ۹ حلقه لاستیک فرستاده‌اند." (همان نماینده، همانجا)

— چرا ۹ حلقه؟ یا باید ۸ حلقه می‌فرستادند یا ۱۰ حلقه!

جاذبه‌های توریستی جمهوری اسلامی!

"برنامه‌های تابستانی دانشجویان خارج از کشور که جهت گذراندن تعطیلات در ایران هستند، طی مراسمی آغاز شد."

"اولین قسمت برنامه با حضور دانشجویان بر سر مزار شهید ای گلگون کفن انقلاب اسلامی در بهشت زهرا انجام شد. دانشجویان سپس از مجروحین جنگ تحمیلی دیدار کردند. همچنین عصر دیروز این دانشجویان در زندان اوین حضور یافتند و ضمن بازدید از زندان، با زندانیان به گفتگو نشستند."

"این دانشجویان طی هفته جاری بازدید هائی از جبهه‌های جنگ تحمیلی خواهند داشت." (کیهان، ۱۴/۵/۶۳)

— بازدید از زندان اوین خیلی ضروری بود تا دانشجویان بدانند حتی اگر در خارج از کشور هم دست از پا خطا کنند، اوین در انتظار آن-هاست!

سرکوب خلق کرد توسط قوای نظامی ایران و ترکیه را محکوم می کنیم

نیروهای مسلح رژیم ج ۰۱۰، ۲۹ شهریور عملیات نظامی گسترده ای را علیه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان براه انداخته و صفحه ای دیگر بر کارنامه قساوت ها و جنایت های خونین خود در سرکوب پیکار عادلانه و بحق مردم کردستان برای دستیابی به حقوق واهداف ملی افزودند. در جریان این یورش سبعانه بیش از ۲۰ روستا در چهار منطقه مرزی واقع در محورهای مهاباد، سردشت و پیرانشهر که به عرصه تاخت و تاز سرکوبگران ج ۰۱۰ بدل شده بود خسارات و ضایعات سنگین دید و ساکنین آنها ناگزیر خانه و کاشانه خود را ترک و آواره دشت و بیابان شدند.

ویژگی بارز تهاجم اخیر هماهنگی و وحدت عمل کامل و آشکار نیروهای مسلح ج ۰۱۰ با قوای نظامی ترکیه است. همزمان با هجوم قوای مسلح ج ۰۱۰ به کرد های ایران، چهار هزار نظامی ترکیه نیز عملیات وسیعی را از زمین و هوا به منظور سرکوب رزمندگان کرد آن کشور آغاز و در تعقیب آنها تا عمق ۲۲ کیلومتری مرزهای ایران نفوذ کردند. به اعتراف مقامات ترک در دیار بکر " این عملیات با موافقت همسایگان " انجام گرفته است. بدین ترتیب نیروهای مسلح ج ۰۱۰ ارتش ترکیه در میدان عمل مشترک نظامی و با سلاح ها و تجهیزات مشترک آمریکایی به سرکوب مشترک خلق و انقلابیون کرد و کشور پرداختند.

حمله به کردستان و تلاش برای خاموش ساختن شعله مبارزه ملی خلق کرد و سرکوب حزب د مکرات کردستان جزئی از کوشش و توطئه ارتجاع و ضد انقلاب برای فرو نشاندن آتش پیکار انقلابی خلق های ایران در مقیاس کشور است. رژیم آژان روسبیت خود علیه کرد ها را شدت بخشیده که کردستان به پایگاه مهم مبارزانی بدل شده است که نبرد در راه رهایی ملی را جزئی لاینفک از پیکار عمومی مردم ایران برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می دانند. مبارزه ملی خلق کرد با مبارزه زحمتکشان سراسر کشور علیه ارتجاع و امپریالیسم عجین شده است و لذا هجوم رژیم به کردستان نیز حلقه ای از تهاجم او به تمام سنگرهای انقلاب و به همه نیروهای مترقی است و به یک سخن حمله ضد انقلاب به انقلاب است.

به همان نسبت که نقاب ریا و تزویر سران ج ۰۱۰ دریده می شود و توده ها با بی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم پیش از پیش از آن روی گردان می شوند، بر قدرت، ادامه و ژرفای جنبه انقلاب از جمله جنبه مبارزه ملی در کردستان افزوده می شود. به همان اندازه که پایگاه مردمی و اجتماعی حاکمیت محدود می شود نهضت رهایی ملی خلق کرد بیشتر نضج و قوام می گیرد و از حمایت گسترده تری در مقیاس کشور برخوردار می شود و به دشکست ناپذیر آزاد بخوانان مبدل می گردد. راز هراس و وحشت رژیم از پیکار رهایی ملی خلق کرد و تشدید حمله به کردستان در همین نکته نهفته است.

دست اندرکاران رژیم مانند همیشه سعی می کنند جنایت خود را در پس پرده دروغ و نیرنگ استتار کنند. از اینرو به افسانه سرایی های نظیر سرکوب وابستانان به "اجنبی" و غیره پرداخته اند. اما اینگونه تشبیهات که به مد روز و ترجیح بند ترهات رژیم بدل شده است نمی تواند سانسور تبهکاری های پیش شود. خلق های کشور مدبران زندگی و تجربه های متحد به بی اساس بودن این برجسب ها پی برده اند. آنها نیک می دانند که زمامداران و کارگزاران ج ۰۱۰ هر ندای آزادی خواهانه و هر جنبشی را با همین دستاویز سرکوب کرده و می کنند. خلق کرد و مبارزین مترقی ملی کردستان که خواهان زندگی آزاد در سرزمین آباء و اجدادی خود می باشند اجنبی نیستند، اجنبی، قوای متجاوز ترکیه و همسایه ناتوی، است که با اجازه رسمی مقامات ج ۰۱۰ تادل میهن مل رخنه می کنند و به قتل و کشتار و ویرانی در کردستان می پردازند.

ما تهاجم مشترک رژیم ج ۰۱۰ و دولت ترکیه به کردستان را تقبیح و محکوم می کنیم و پشتیبانی خود را از رزمندگان کرد و مبارزه خلق کرد در راه خود مختاری به رهبری حزب د مکرات کردستان اعلام می داریم ما معتقدیم که با تحمیل عقیده، نفی هویت و حقوق ملی خلق ها و سرکوب نظامی نمی توان مسئله ملی را حل کرد. خلق کرد در راه کسب خود مختاری کارنامه دیرینه و درخشانی دارد و بارها از میدان پیکارهای سنگین سر بلند بیرون آمده است و اکنون نیز با ثبات و پایداری دلورانه به نبرد بی امان علیه دشمنان ملی و طبقاتی خود ادامه می دهد. فاتح نهایی این پیکار خلق کرد و رزمندگان کرد اند.

اول سپتامبر روز جهانی صلح

بقیه از صفحه ۸
نمانده است. مبارزه برای بازپس فرستادن مو - شك های آمریکایی مستقر شده در اروپا باید پیگیرانه ادامه پیدا کند.

برای مردم ایران، اینک مبارزه در راصلح مفهوم قابل لمس تری در مقایسه با سالهای پیش کسب کرده است. ۴ سال است که آتش یک جنگ خانمانسوز و مخرب و بی معنی میان د و کشور همسایه و د و خلق براد ر شعله و راست و دیگر خانواده های د در ایران و عراق وجود ندارد که یک جوان خود را در این جنگ براد رکشی از دست نداده باشد. پس از اینکه مردم ایران به بهای قهرمانیهای افتخار آمیز توانستند متجاوز را از سرزمین خود بیرون کنند شرایط بسیار مساعدی پیدا شد که با حفظ حقوق حقه مردم ایران آتش جنگ قطع و مسائل مورد اختلاف در پشت میز مذاکره حل شود. ولی سمسران مرتجع حاکمیت ایران که روی حساب های غلط به فکر کشورگشایی افتاده اند حاضر به صلح عادلانه نیستند و با طرح خواسته های غیرقابل

و خورشیدها تکرارشان ...

بقیه از صفحه ۳

از میان زنان زندانی، دخترتری از اعضای سازمان فدائیان خلق (اکثریت) برمی خیزد و فریاد می زند: "آدمکش ها، قاتل ها ۰۰۰ راه آنها راه ماست. با کشتن اینها قهرمانان دیگری به قهرمانان حزب توده اضافه شدند".

او نیز به سرنوشت آن رفیق اقلیتی دچار - گردید. خونین ولت و پار شده از سالن پیروش بردند و پس از آن دیگر کسی او را ندید.

زندانبانان در تدارک برنامه های دیگری هستند، که صدای زمزمه ای از میان اسیران برمی خیزد و آرام آرام اوج می گیرد:

"مرا ببوس، مرا ببوس،

برای آخرین بار،

خدا تورا نگهدار

که می روم به سوی سرنوشت ۰۰۰

بهار ما، گذشته ۰۰۰۰

و در کشاکش این آوای پرنشین است که صد ها دهان سرود خون زیر ضربات مشت "تو آیین" و شکنجه گران خونین می شود.

★ ★ ★

بگذارتنی چند از حقیران،

تازبانته، سروان نشان راه کار آورند،

و چهره در چهره قربانی هلهله کنند

بی که تاب برآشفتن پاکانشان باشد.

پاکانی از تبار ستمکشان،

که خورشیدها تکرارشان می کنند،

در همه لبخند ها،

و در همه پیوندها ۰۰۰۰

تحقق آب به آسیاب امپریالیسم آمریکا می ریزند که بتمام طرق ممکن می کوشد در امور منطقه مدخله نظامی کند. یکروز بهانه عدم امنیت برای نفتکش ها وارد خلیج فارس می شود و روز دیگر مین های شناورد در دریای سرخ را دست آویز قرار می دهد و کشتی جنگی به آنجا می فرستد. بازکردن پای امپریالیسم در منطقه نه به سود مردم ایران است، نه مردم عراق و نه دیگر خلقهای منطقه. اگر سران حاکمیت ایران از حداقل آگاهی از دنیای معاصر و نگرانی برای سرنوشت مردم ایران برخوردار بودند این خطر را فوراً احساس می کردند و به جنگ فرسا - پنده و بی سرانجام پایان می دادند.

**کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

حساب بانکی ما: Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

اول سپتامبر روز جهانی صلح

بشریت صلح خواه نخستین روز ماه سپتامبر را بعنوان روز جهانی صلح برگزار می کند. اول سپتامبر ۱۹۳۹ امپریالیسم آلمان جنگ جهانی دوم را آغاز کرد. ۴۵ سال پیش در چنین روزی ارتش هیتلری به سرزمین لهستان هجوم برد. بدین ترتیب یک جنگ شش ساله، که با جنایات د هشتاک فاشیست ها چه در جبهه ها و چه علیه شهرها و روستاها و اهالی غیرنظامی همراه بود بر مردم جهان تحمیل گردید. نقطه اوج این جنایتکاری که در عین حال آغاز پایان کار دولت متجاوز امپریالیستی بود را باید حمله به اتحاد شوروی در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ به شمار آورد.

حاصل جنگ جهانی دوم ۵۵ میلیون کشته و ۳۵ میلیون زخمی و معلول بود. خسارات مادی جنگ را که نابودی کامل بسیاری شهرها و روستاها و از میان رفتن نتایج تلاشهای هنری و فرهنگی نسلهای گذشته بود بزرگترین می توان احصاء کرد. فقر و بیماری و گرسنگی که توده های زحمتکش و زنان و کودکان و پیران را در رومی کرد بجای خود.

امروز هم وضع جهان به نحو نگران کننده ای وخیم شده است. خطر جنگ از نو مردم سراسر کره زمین را تهدید می کند. و با وضع کنونی تکنیک نظامی و جنگ افزارهای مہیبی که برای نابودی جمعی وجود دارد، باید گفت که پیامدهای یک جنگ جهانی تازه به مراتب از جنگ جهانی دوم بدتر خواهد بود. چنین جنگی می تواند نابودی بشریت را همراه داشته باشد. بدین جهت است که مبارزه در راه صلح بعنوان مهمترین وظیفه در جهان معاصر محسوب می شود. روز اول سپتامبر اتحادیه های کارگری مترقی هم در سراسر جهان با ابتکارات جداگانه در مبارزه بخاطر حفظ صلح جهان شرکت می کنند و آنرا روز عمل اتحادیه های کارگری برای صلح نامید ه اند.

شورای جهانی صلح بمناسبت فرارسیدن نخستین روز سپتامبر اعلامیه ای خطاب به تمام محافل اجتماعی جهان منتشر کرد و از آنان دعوت نمود که از حق زندگی در صلح که مهم ترین بخش از حقوق بشر است با تمام نیرو دفاع کنند.

در این اعلامیه گفته می شود که سیاست امپریالیستی از موضع قدرت، اوضاع بین المللی را بسیار حاد و استقرار موشک های آمریکایی برای وارد آوردن ضربه نخستین در جمهوری فدرال آلمان، انگلستان و ایتالیا مسابقمه تسلیحاتی را در مقیاسی غیرقابل تصور ادگرده است. بجز بازگشت به سیاست تنش زدایی، آلترناتیو دیگری برای مردم همه کشورهای باقی

بقیه در صفحه ۷

چهلمین سالگشت انقلاب سوسیالیستی در جمهوری توده ای بلغارستان

نهم سپتامبر سال ۱۹۴۴ در سایه پیروز-یهای درخشان ارتش سرخ در جنگ کبیر میهنی، کوششها و مبارزات دشوار و خونین کارگران و دهقانان و روشنفکران خلقی بلغارستان قریب موفقیت گردید و انقلاب سوسیالیستی در یکی از فقیرترین کشورهای شبه جزیره بالکان پیروز شد. دستاوردهای مردم سخت کوش و نیزهوش بلغارستان را در تمام عرصه های زندگی اقتصادی و اجتماعی طی این چهل سال زبر رهبری حزب کمونیست بلغارستان به دشواری می توان در یک نوشته کوتاه تشریح کرد. آنچه که انجام گرفته البته حاصل کار و کوشش خلق است ولی به معجزه بیشتر شباهت دارد. روستاهای بلغارستان طی این چهل سال آنچنان دگرگون و نوسازی شده که حتی یکی از کلبه های کهنه و قدیمی برای نشان دادن به نسل جوان بلغارستان برای اینکه به چشم خود به بیند پدانشان در چه شرایطی می زیسته اند باقی نمانده است. ادهات بلغارستان که پیش از انقلاب چیزی شبیه دات ایران در گذشته و حال بود اکنون تقریباً تاقی با شهرها ندارد. دهقانان از تمام وسایل مدرن زندگی: برق، آب لوله کشی، یخچال، تلویزیون، سینما، تئاترهای سیار، کتابخانه و مراکز مجهز فرهنگی بهره مندند. در د ورتترین روستاها نیز د مانگا همای مجهز ساخته شده و آموزش رایگان عمومی در سطحی است که تمام کودکان روستایی تک کلاس د هم در سبوی خوانند. آهنگ خانه سازی در بلغارستان به جایی رسیده که طی برنامه پنجساله گذشته حدود یک میلیون شهروند بلغاری به خانه های نوساز نقل مکان کرده اند و این در حالی است که جمعیت بلغارستان هنوز به ۹ میلیون نفر نمی رسد. در برنامه پنجساله جاری، آهنگخانه سازی باز هم سر محتر شده است. بلغارستان سوسیالیستی با فراهم آوردن امکانات لازم تصمیم گرفته است تا پایان برنامه پنجساله کنونی یعنی تا پایان سال ۱۹۸۵ مسئله مسکن را برای تمام شهروندان خود حل کند و سپس مسئله اتاق مستقل برای هر یک از اعضای خانواده را در دستور روز قرار دهد. آیا این شگفت آور نیست؟

صنایع و کشاورزی بلغارستان طی چهل سال حکومت خلق گامهای غول آسایی به پیش برداشته و بلغارستان سوسیالیستی تبدیل به یک کشور پیشرفته صنعتی و کشاورزی گردید است. حتی در صنایع الکترونیکی و ساختن انواع کامپیوترهای کوچک و متوسط جمهوری توده ای بلغارستان یکی از مقام های اول رادر میان کشورهای صنعتی دارد.

پیش از انقلاب، ۸۲ درصد از اهالی در روستاها به کشاورزی اشتغال داشتند. اکنون فقط ۲۱ درصد از آنان سرگرم کشاورزیند. پیش از انقلاب از هر هکتار زمین فقط ۱۲۵۰ کیلوگرم گندم بدست می آمد، اینک بطور متوسط ۵۰۰۰ کیلوگرم گندم حاصل یک هکتار زمین است. کشاورزی بلغارستان نه تنها تمام نیازهای داخلی کشور را تأمین می کند بلکه بخش مهمی از مازاد آن به خارج صادر می شود.

از دستاوردهای فرهنگی و هنری و ورزشی از آموزش و درمان رایگان در بلغارستان سو-سیالیستی هرچه بگوئیم کم گفته ایم. شاید بجا باشد اندکی درباره برابری حقوق زن و مرد در ارتباط با انتشار طرح جدید قانون خانواده در این کشور صحبت کنیم. روابط خانوادگی بر پایه برابری کامل حقوق زن و مرد بنا می شود، دولت و اجتماع از ازدواج و خانواده حمایت می کنند. اساس خانواده بر تمایل آزاد د و طرف و استحکام ازدواج گذاشته شده است، دفاع از کودکان و تساوی کامل آنان مستقل از اینکه پیش از ازدواج یا پس از ازدواج زاده شده یا - شند و یا اینکه فرزند خوانده باشند از مبانی اصلی قانون است. فقط فردی می تواند ازدواج کند که ۱۸ سال تمام داشته باشد. در موارد استثنائی با اجازه و زبر سرپرستی رئیس دادگاه محل کسی که ۱۶ سال تمام داشته باشد میتواند ازدواج کند. زن و شوهر در ازدواج از نظر حقوق و مسئولیت ها برابرند. مناسبات میان زن و شوهر بر پایه احترام متقابل، تفاهم و وفاداری استوار است. هم زن و هم مرد در انتخاب شغل آزادند. زن و شوهر باید مشترکاً و با تفاهم در جهت نگهداری و تربیت فرزند ان کوشش کنند. کسیکه دارای همسر قانونی باشد حق ازدواج ندارد و الی آخر.

چهل سال حکومت خلقی آنچنان سیمای درخشانی به کشور بلغارستان داده است که می تواند موجب غبطه دوست و دشمن شود. اما باید گفت معجزاتی از این دست فقط زیر رهبری کمونیست ها می تواند رخ دهد.

NAMEH MARDOM	
No: 14	P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
SEPT. 6, 1984	
Price	
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!